

در اواسط ده حمامی زیر زمینی و تکیه‌ای مخروطی و امامزاده‌ای با خانه مرطوب و پلاسی فرسوده و کهنه مؤسسات عمومی ده را بوجود آورده بود .  
بچه‌ها در نزدیکی تکیه درخاک و لجن غوطه‌ور بودند در کنار دیوارها چندمرد کم حوصله و بیکار مشغول مبارزه با مگس‌ها بودند تنها سه اطاق در تمام ده با گچ سفید شده بودند بقیه باها و اطاقها با کاه گل اندود شده بود .  
« در صفحه ۱۱۵ کروکی و پلان معابر ده لاسم نمایش داده شد »

www.tabarestan.info  
تبرستان

رختخواب خوابیده بودند در چندخانه زنان سخت مشغول قالی بافی بودند بر درب يك مغازه چند زابلی سیاه چهره و چرکین پیراهن مشغول معامله بودند ملیونها مگس در گوشه و کنار مشغول پرواز بودند چنان فقر و کثافت و تنبلی درهم مخلوط شده بود که خنده‌های معصومانه چند کودک و شاگرد مدرسه بنظر ، رویش گلی درجهنم بود .

درده نه حمام نه آب آشامیدنی بهداشتی و نه برق هیچیک وجود نداشت تنها مؤسسه عمومی ده دواطاق نمناک و قدیمی و کهنه بنام دبستان بود شاید این اولین و لازم-ترین ساختمان عمومی ده بود اخیراً جاده و مدرسه جدیدی در این ده در دست ساختمان است چهره روستاهای مازندران و شکل آنها نشان میدهد که توسعه آینده آنها باز هم بدون هدف و نقشه مشخص گسترش می‌یابد در این صورت نه تنها احداث مؤسسات عمومی و خدمات بهداشتی و غیره را مشکل می‌سازد بلکه آرایش چهره مخروبه اینگونه روستاها بزودی تغییر پذیر نیست .

### «بازدید از یلمه سالیان واقع در دشت گرگان»

یلمه سالیان یکی از بهترین روستاهای دشت گرگان است این ده در چهار کیلومتری سد و شمگیر قرار گرفته است پس از دیدار خاکریز سد و محیط زیبا و فعال آن در حدود ساعت ۹ صبح بده یلمه رسیدیم چند روزی از تیرماه گذشته بود ولی هوا گرم و جاده سخت خطرناک و خاکی بود زیرا از کنار رودخانه گرگان عبور میکردیم . ده در کنار رودخانه قرار گرفته بود ولی هیچ درختی با باغی درده دیده نمیشد. خانه‌های متمرکز در کنار کوچه‌های وسیع ولی پر از خاک و لاس دامها بود . ساختمانهای ده مزبور بسیار حقیر و اغلب باخشت و گاهی با آجرهای دیوار اسکندر ساخته شده بودند چند ساختمان دو طبقه هم وجود داشت .

کف کوچه‌ها را خاک چرکین و لاس گاو می‌پوشاند تعدادی سگ بیمار و مسلول در حال چرت زدن بودند زنها بالباسهای مخصوص و رنگین و صورت کاملاً پوشیده ولی با پاهای برهنه و بدون کفش در حرکت بودند .

در کنار يك دیوار خرابه چندتر کمن مشغول تعمیر يك ارابه بودند تعداد زیادی از جوانها در سایه يك مغازه محقر نشسته بودند بعضی سیکار می‌کشیدند و بعضی مشغول صحبت و چند نفر مشغول چرت زدن ، همگی بیکار و بی تفاوت نشسته بودند .

با اینکه ساعت ده صبح فرارسیده بود چند مرد در ایوان خانه و یادر خانه‌ها زیر

است که پس از کسر ضخامت دیوارها بهر خانواده روستائی ۳۷ متر مربع خانه و انبار آشپزخانه رسیده است. بطور متوسط و بهر نفر رویم ۷۲ متر مربع خانه - انبار - آشپزخانه میرسد و حداکثر عمر اینگونه ساختمانها در حدود ده سال برآورد گردیده است از نظر سبک و طرح ساختمانی سه نوع خانه روستائی در مازندران قابل ذکر است که عبارتند از:

- ۱ - خانه‌های قدیمی روستائی در دشت و جلگه
- ۲ - خانه‌های روستائی در نقاط خشک
- ۳ - خانه‌های جدید روستائی

### «بررسی خانه‌های روستائی مازندران»

انسان برای ادامه زندگی خود احتیاج به مسکن دارد تا بتواند از گزند سرمای کشنده و گرمای طاقت فرسا و رنج کار روزانه رهائی یابد و پس از استراحت و تجدید قوا بار دیگر آماده کار و مبارزه با طبیعت گردد.

هرچه انسان دانا تر و توانا تر باشد امکان استفاده از خانه‌های بهتری را بدست می‌آورد چنانکه اقتصاد کهنه و عقب مانده شبانی یا کشاورزی قادر به سرمایه گذاری علمی، فنی و مادی جهت احداث ساختمانهای مدرن زیبا و محکم برای افراد جامعه خود نیست. برعکس در جامعه صنعتی با متد علمی و فنی با سرعت کامل خانه‌های محکم و زیبا آماده و مورد استفاده قرار میگیرد، اصول معماری میگوید خانه باید زیبا - محکم و وسیع باشد و بتواند بخوبی نیازهای زیستی خانواده را تأمین نماید در ساختمانهای روستائی مازندران هیچیک از اصول مزبور رعایت نگردیده است.

آمار سال ۴۵ نشان میدهد از ۲۲۷/۰۱۸ واحد مسکونی روستائی تنها ۴/۹ درصد آنها با آجر و بتن و آهن ساخته شده است و ۹۵/۱ درصد آنها از گل - خشت - نی - چوب ساخته شده است در تحقیق دیگری که روی ۵۶ ده بعمل آمده است ۱۷۵۵ واحد مسکونی روستائی اندازه گیری شده و وسعت آنها در حدود ۹۲۰۰۰ متر مربع بوده



خانه کهنه روستائی باصاحب پیرترآن در نوسرلاریجان

ساختن این خانه‌ها با سرعت در ظرف دو سه هفته اول تابستان صورت می‌پذیرد و اغلب همسایگان و خویشان خانواده سازنده از زن و مرد و بچه در این کار شرکت دارند. ابعاد اتاقها ۴ در ۳ گاهی ۳ در ۵ متر می‌باشد و تعداد اتاقها بین یک تا چهار اتاق می‌باشد و ابعاد این خانه‌ها با احتیاجات خانواده و توانائی مالی آنها بستگی زیاد دارد.

## ۱- خانه‌های قدیمی روستایی دردشت و جلگه»

سبک و طرح اولیه اینگونه خانه‌های روستائی از گیلان بماندران انتقال یافته است معماران اولیه این خانه‌ها مردمی باهوش بوده‌اند بطوریکه حداکثر استفاده را از مصالح موجود در محل نموده‌اند و از گل - نی - چوب حتی الیاف برنج استفاده نموده‌اند و وقتی عروس و دامادی با خانواده روستائی قصد ساختن خانه به سبک مزبور را دارند مقداری از خاک زمین مورد نظر را کنده و با الیاف برنج و آب مخلوط می‌نمایند و سپس کرسی چینی ساختمان تا ارتفاع ۶۰ - ۹۰ سانتیمتر بوسیله افراد خانواده صورت می‌گیرد و ضخامت دیوارها از ۵۰ سانتیمتر تجاوز می‌کند پس از خشک شدن لایه‌های گل دیوار چینی سقف خانه را با خربای چوبی و سقف کاذب را با تخته چوبهای جنگلی می‌پوشانند شیب بام بسیار تند و زاویه خریا گاهی از ۳۴ درجه تجاوز می‌کند در نتیجه بین بام حقیقی و بام کاذب انباری وسیع بوجود می‌آید که محل خشک کردن و دود دادن برنج و نگهداری قند - بقولات و مواد غذائی مورد نیاز خانواده است این انبار خشک‌ترین محل موجود در ده محسوب میشود زیرا حرارت خانه بسوی بالا صعود میکند و سبب خشک شدن محیط انبار میگردد.

اندود خانه مزبور با خاك رس قرمز - يا زرد رنگ و لاس گاو صورت ميگيرد  
اين اندود اغلب جاي گچ يا آب آهك را ميگيرد و هر ساله نزديك عيد نوروز زنان  
خاك مورد نیاز را با سر به محل حمل ، و اندود خانه را تجديد مي نمايند معمولا اين  
خانهها فاقد پنجره و نور بوده و در موقعيكه در بهاي شمالي و جنوبي آن بسته ميشود  
بكلي تاريك مي شوند در داخل اطاقها محلي بسراي سوختن هيزم در نظر گرفته  
شده است .

## «۲- خانه های روستائی در نقاط خشك»

در روستاهای کوهستانی و شرق مازندران خانهها را باخشت خام و گل و نی و  
يا حصير و چوب می سازند سقف خانهها صاف و با اندود گاه گل ساخته ميشود اندود  
داخلی و بیرونی ساختمان با گاه گل صورت ميگيرد خانه روستائی مرکب از يك يا چند  
اطاق كوچك مستطيل شكل است كه گاهي دو طبقه می باشد كه از طبقه دوم آن برای  
سكونت استفاده ميشود اين خانهها مانند تمام خانههای روستائی مازندران فاقد سرويس های  
بهداشتی - و لوله کشی آب می باشد .

سازندگان اين خانهها هيچگونه مهارتی در بنائی و معماری ندارند تنها در اثر  
تقليد و احتياج ، بساختن اينگونه خانهها ميپردازند .

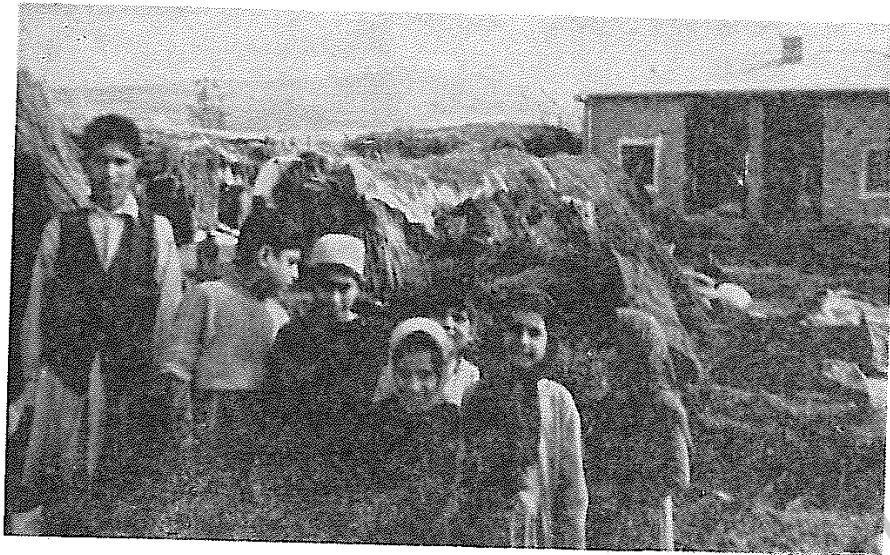
در بعضی نواحی تر کمن نشين كه رطوبت و آب با اندازه کافی وجود دارد مانند  
روستاهاي ده قرناوه و مراوه تپه و غيره بام خانه را بانی و چوب پوشيده و روی آن را با  
گاه گل اندود می نمايند ولی در نواحی كم آب و خشك مانند صوفيان - چروك ياداشلی -  
برون اطراف پهلوي دژ بام خانهها بوسيله شيروائی پوشيده ميشود و آب باران بوسيله  
لوله ای سيمانی به انبار منتقل می شود آب آشاميدنی مورد نیاز صاحب خانه ذخيره  
ميگردد ، معايب خانههای روستائی زياد است و بطور کلی می توان گفت از مصالح

ابتدائی و خام استفاده میشود و خانه در مقابل زلزله - آتش سوزی سیلاب هیچگونه مقاومتی ندارد و اغلب در مواقع بروز اینگونه حوادث خانه تبدیل به قبر و آرمگاه ابدی میگردد .

برای رفع فضولات آدمی و حیوانات و ایجاد سرویس های بهداشتی هیچگونه فکر و کوششی بکار نرفته و بطور کلی هنوز دهقان بی سواد و بی تخصص این نواحی آمادگی فکری و مالی جهت استفاده از يك زندگی مدرن و مرفه را نیافته است برای تأیید این مسئله دلایل زیر ارائه میشود .

پس از وقوع زلزله وحشتناك بوئین زهرا قزوین و دفن ۱۵ هزار نفر روستائی هر آدمی در اینجا بنحوی به زندگان این فاجعه كمك كرد مدتی هم اینجا ناب افتخار کار در بعضی واحدهای ساختمانی این ناحیه را داشتم خاندهای تمیزی ساخته شد و با سرویس های بهداشتی آب و برق و غیره تحویل روستائیان گردید در بعضی روستاها اهالی حاضر به سکونت در خانه های جدید نمی شدند. پس از چند سال که از روستاهای مزبور بازدید کردم بعضی خانه توسعه یافته بود ولی بشکلی که دیگر شناخته نمیشد، يك یا دو اتاق گلی کثیف با ساختمان سنگی و نمای آجر سفالی یا سیمان تکرگی پیوند یافته بودند ایوان زیبا و رنگ آمیزی شده ساختمان تبدیل به آغل بره ها و بزغاله ها شده بود ، دیوارها بالاس گاو و دامها پوشیده شده بود و نمای سنگی و سیمانی آنها ملوث گردیده بود .

لوله های آب آشامیدنی سوراخ و شیرهای برداشت و لامپ های برق معابر شکسته شده بود خلاصه آن ده مدرن و تمیز اولیه بيك ده کهنه و قدیمی تبدیل شده بود. مشکل این مسئله را با چند نفر در میان نهادم همه عقیده داشتند که طراحان این خانه های روستائی از روحیه و احتیاجات خانواده روستائی ایران اطلاعی نداشته اند. بعضی ها اعتراض میکردند که روستائی مرغ خود را در کجا نگهداری کنند و



کوپه پوشالی زابلی ها و خانه روستائی نوساز رئیس آنها در حومه هینودشت



يك خانه قدیمی اربابی با سقف سفالی

دام خود را کجا جا دهد در حالیکه مشکل در جاهای دیگر بود .

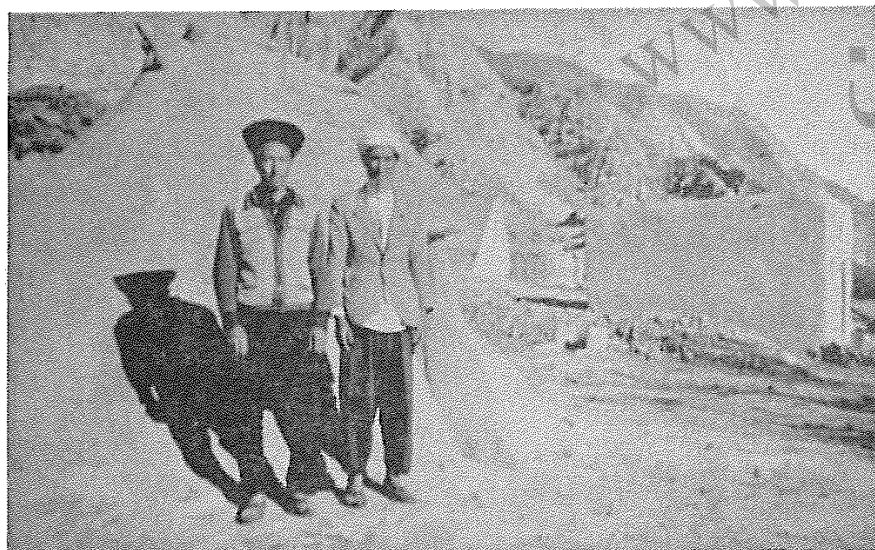
بنظر میرسد آنچه سبب گردیده روستائیان مزبور نتوانند از خانه‌های جدید و از روستاهای تمیز و مدرن استفاده نمایند عدم رشد فکری - عدم آمادگی کامل مالی - فنی - فکری و نداشتن توقع بیشتر از زندگی بوده است روستائی که از درآمد سرانه بیشتری بهره‌مند گردد و به علم و فن دست یابد به آسانی میتواند محیط بهتری برای خود بسازد و نگهداری دام و طیور در يك محوطه دورافتاده ده مسئله‌ای نخواهد بود. برای تأیید این ادعا خاطره‌ای از نوسازی منطقه زلزله زده گلیداغ شهرستان گنبد را ذکر می‌نمایم. ما موریت داشتم چهل‌خانه جدید روستائی برای اهالی ده چشمه علی واقع در کناره نهر قرناوه را بسازم این ده در ۵ کیلومتری جاده عمومی قرار گرفته بود و هیچگونه راه ارتباطی ماشین‌رو نداشت جاده‌ای که باید ساخته شود کوهستانی و با شیب ۱۶ درصد بود بهر مشکلی بود خود را بده مزبور رساندم .

ساعت ده صبح بود در دامنه يك تپه خاکی با ارتفاع ۸۰۰ متری از سطح دریا چند خانه گلین کوچک محقر و پراکنده و چند چادر اهدائی واوی ترکمن، ده مزبور را بوجود آورده بود. کوچه یا خیابانی دیده نمیشد خانه‌ها با فاصله زیاد از هم ساخته شده بود و در فواصل بین خانه‌ها فضولات حیوانی و انسانی دیده میشد .

بچه‌ها کثیف - رنجور - ناتوان - پیرمردان و مردان بی حال زرد چهره در کنار خانه‌ها نشسته بودند فکر کردم به بیمارستانی رفته‌ام و با زحمت چند نفر را جمع کردیم تا نظریات آنها را در مورد محل ده بدانیم ده مزبور در محل مناسبی واقع نشده بود چون در جناح شمالی تپه قرار گرفته بود با اندازه کافی آفتاب دریافت نمیکرد راه ارتباطی نداشت و ساختن خانه در تپه‌خاکی مزبور و در شیب‌های تند کار درستی نبود از همه مهمتر آب در دسترس نبود. ولی اهالی عقیده داشتند که جای ده آنها بهترین محل موجود در آن نواحی است هر چه خواهش کردیم که موافقت نمایند که ده جدید



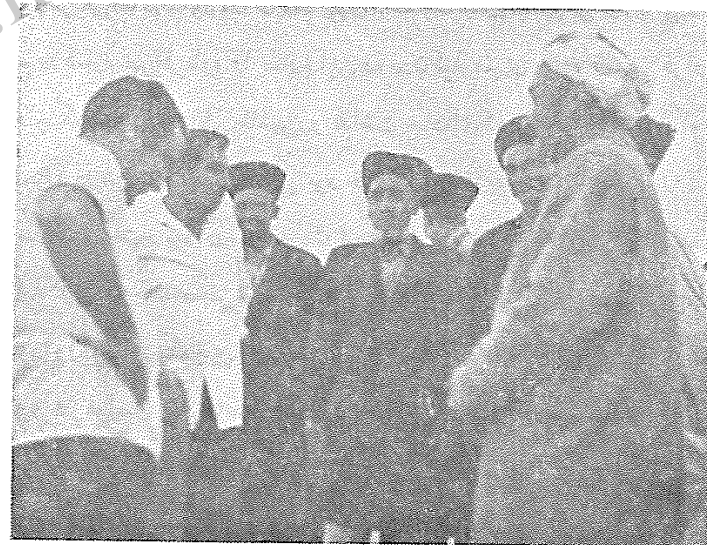
يك خانه روستائی پس از زلزله مرداد ۴۹ در تركمن صحرا



خانه هرمی شکل بشکل خانه های سرخ پوستان در ده قرناوه علیا

در کناره رودخانه قرناوه در يك زمین مسطح و قابل آبیاری ساخته شود اهالی قبول نکردند .

بالاخره قرار شد یاشولی نمایند - شورای پیرمردان تشکیل شد و یاشولی ها رای دادند بعلمت آنکه جد بزرگ آنها این محل را برای سکونت اختیار نموده است درست نیست که رای جد بزرگ خود را زیر پای بگذارند ، ناچاراً رای یاشولی ها را پذیرفتم ؛ پرسیدم آب مورد نیاز را از کجا می توان تأمین کرد محلی را نشان دادند که يك کیلومتر پائین تر از ده در میان دره ای قرار گرفته بود به محل مزبور رفتم .



مذاکره با یاشولی ها تركمن برای اجرای طرح های عمرانی

از فاصله چند متری بوی گند بمشام میرسید وقتی نزدیک شدیم گودالی دیدیم با وسعت ۱۲ متر مربع و عمق چندمتر که پر از ماده سیاه رنگی و آب آشامیدنی اهالی را تأمین میکرد .

در کنار گودال چند دختر کوچک و پیرمردی برای حمل آب مشغول فعالیت

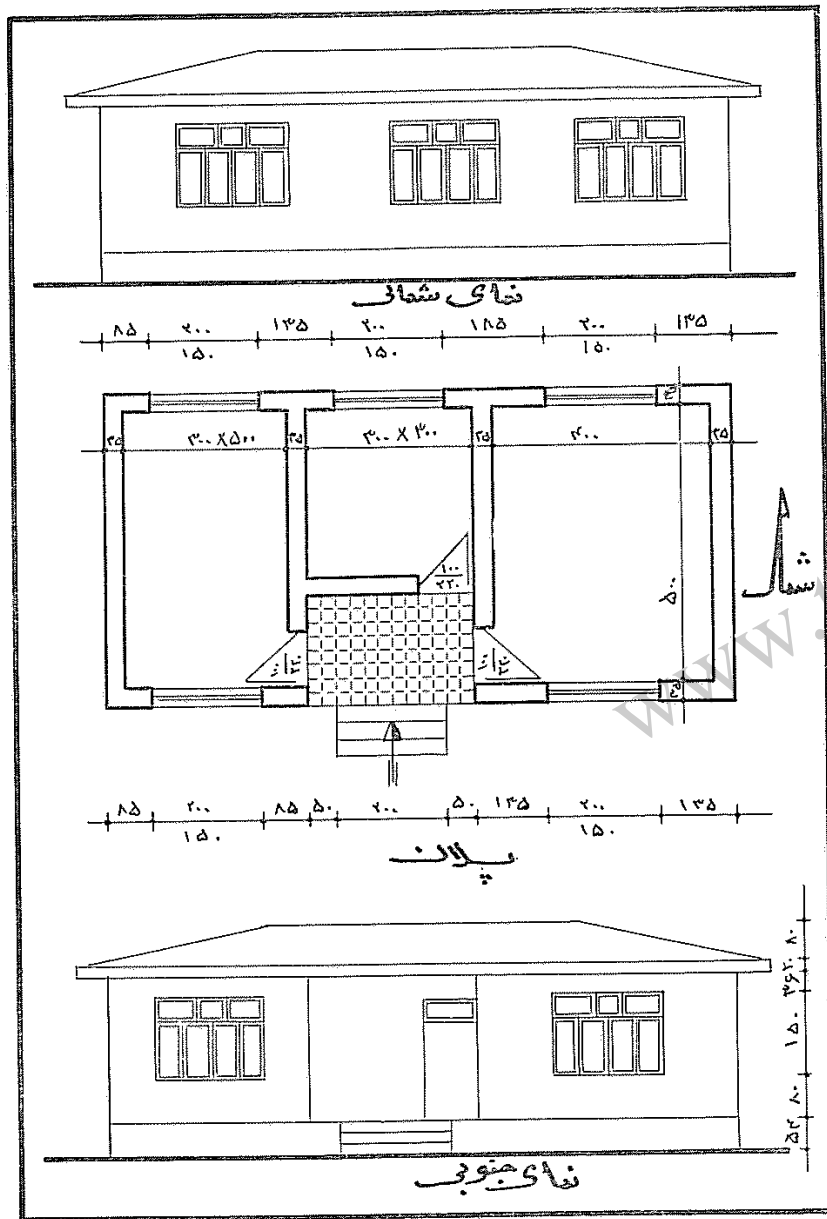


بودند چند دانه لاس‌الاغ، وسط‌گنداب افتاده به د و پیر مرد و چند دختر بچه با خون‌سردی  
ظروف و مشک‌آب خود را بر می‌کردند.

هرچه با بزرگان مذاکره کردیم که رضایت بدهند و با ما همکاری کنند تا ده  
جدید را در کنار نهر قرناوه و جاده عمومی بسازیم موافقت و نکردند.

ناچاراً با زحمت و هزینه فوق‌العاده حاده‌ای احداث گردید و کامیون‌ها در حالیکه  
زنجیر بدچرخ خود می‌ستند آب و مصالح ساختمانی را بی‌الای تپه‌مزبور حمل می‌کردند  
و کارشناسان فکر کردند لازم‌ترین کاری که باید انجام شود ایجاد یک جاده و مدرسه  
جدید است که این ده را با دنیا جدید ارتباط دهد آیا این مدارس و جاده‌ها همه مسائل  
روستاها را حل خواهد کرد ۱۹

بطور کلی نحوه زیست و طرز فکر روستائیان این نواحی بخوبی نشان می‌دهد  
که فقر واقعی جامعه روستائی ایران، فقر فرهنگی و سپس محرومیت‌های دیگر است  
تا زمانی‌که جامعه روستائی در جهات و وجوه مختلف رشد فرهنگی و اقتصادی و فنی  
نکند این مشکلات باقی خواهد ماند و زمانی‌که کارگر دانا و متفکر و ماهر جانشین  
روستائی بی‌سواد - فقیر و محروم کار گردد این مشکلات خود بخود حل خواهد شد  
در حقیقت دشمن واقعی جامعه روستائی ما نادانی و بی‌کاری فکری و بدنی است و وظیفه  
ملی روشنفکران هجوم بروستاها و بالا بردن سطح فرهنگ و توقع روستائیان است.



«پلان و نمای خانه های روستائی»

## «۲- خانه های جدید روستائی»

تا زمانیکه راههای روستائی ساخته نشده بود روستاها بی نیاز از شهرها بود و روستائیان تقریباً احتیاجات خود را خود تأمین میکردند ولی هر چه جاده مدرن تر و کوتاه تر شد ارتباط روستاها با شهر بیشتر و نیاز روستائیان بشهرها افزایش یافت ، این امر در مورد خانه سازی هم کاملاً بچشم میخورد قبلاً روستائیان برای ساختمان خانه خود از مصالح موجود درده یعنی خاك - سنگ چوب و غیره استفاده میکردند درب خانه را هم از چوب می ساختند و برای بی نیازی حتی شیشه هم بکار نمیبردند طی سالهای اخیر جاده های ارتباطی تحول بزرگی در روستاها ایجاد نمود و بطوریکه اخیراً استفاده از آجر - بتن - پروفیل - ورق شیروانی - شیشه رواج کلی یافته است و حتی سبک ساختمانها هم تغییر نموده است طرح خانه های جدید عبارت از دواطاق مستطیل شکل بزرگ که بوسیله يك اطاق بیکدیگر متصل می شوند ، و جلزی این اطاق ایوانی بوجود میاید که در بهای هر سه اطاق در این ایوان باز میشود و ارتفاع کرسی چینی و کف ایوان تا زمین در حدود ۶۰ سانتیمتر میشود .

این طرح را اولین بار اداره املاک در چند روستا اجرا نمود و با اینکه

استقبالی از آن نشد ولی اخیراً با سرعت جای خانه‌های قدیمی رامیکرد به پلان و نمای آن مراجعه شود .

دیوار این خانه‌ها از آجر و ملات ماسه سیمان و سقف آن از خرپا چوبی و ورق شیروانی ساخته میشود شیب بام خیلی کمتر از شیب خانه‌های قدیمی است تقریباً مصالح این ساختمانها از شهر بده حمل می‌شود در این خانه‌ها که اغلب شمالی - جنوبی ساخته میشود با اندازه کافی پنجره نصب گردیده و اطاقها کاملاً روشن است و از نور کافی بهره‌میکرد معمولاً یکی از اطاقها با بهترین فرش خانه فرش میکرد و برای مهمانان اختصاص می‌یابد در یکی دیگر از اطاقها همه خانواده زندگی می‌کنند و در اطاقك كوچك هموسایل خانه انبار می‌شود یا آشپزی خانه در آنجا صورت میکرد .

ساختمان این خانه‌ها در دشت و کوهستان رواج می‌یابد و شاید تا ده سال دیگر اکثر خانه‌های روستائی مازندران بشکل مزبور ساخته شود .

و ابتدائی کوشش می‌کرد و از نظر تأمین مسکن هم اقبال میشد اما امروز کارگرو کارشناس کشاورزی به‌خانه‌های تمیز و مدرن احتیاج دارد که با مصالح محکم ساخته شده و وسعت کافی داشته باشد و از خدمات عمومی و بهداشتی برخوردار باشد.

۳ - شاید دهقان قدیمی با گاو آهن و ابزار کوچک دیگری که داشت با سانی از معابر تنگ و باریک و گل‌آلود عبور میکرد ولی امروز عبور ماشین‌آلات از آن معابر قدیمی و پرپیچ و خم غیرممکن است و روستای مدرن به معابر حساب شده و مؤسسات عمومی مدرن احتیاج دارد.

۴ - زلزله و سیلاب هر چند ماه یک بار چهره مرگبار خود را باین مردم محروم نشان میدهد هر چه این حوادث طبیعی در مقابل ساختمانهای محکم زبونی نشان میدهد بهمان نسبت در تخریب‌خندهای روستائی و کشتار روستائیان بیداد می‌کند و کشتارهای بیست‌هزار نفر در روستاها بارها زنگ خطر را برای ساختن روستاهای مدرن اعلام نموده است.

۵ - دنیای کنونی مانند ظروف مرتبط عمل می‌نماید و جبر اختراع ابزار تولید، با قدرت زیاد سعی دارد که نحوه زندگی و رفتار آدمی را در سراسر جهان یکسان نماید و این جبر ماشین بقدری قدرت دارد که بتدریج لباس پوشیدن - غذا خوردن - ورزش کردن - درس خواندن حتی خندیدن افراد جوامع مختلف را یکسان می‌نماید و چون ابزار تولید در سراسر جهان یکسان عمل می‌نماید در آینده تمام افراد جامعه جهانی مجبورند رفتار و زندگی یکسانی داشته باشند و آنگاه آنهایی که آرزوی حکومت جهانی دارند با توسعه ابزار تولید بآن دست خواهند یافت بنا بر این چگونه می‌توان قبول کرد روستاهای مخروبه و کهنه و قدیمی با زندگی قرون وسطی ای در مقابل روستاهای مدرن جهان فعلی پایدار بمانند.

۶ - افزایش جمعیت روز بروز احتیاج راز یادتر می‌نماید، احتیاج آدمی را مجبور با اختراع و استفاده از ابزارهای مدرن می‌نماید و ابزار مدرن بطور جبری زندگی و

### «ساختمان يك ده مدرن»

بررسی کلی وضع ساختمان فیزیکی و اجتماعی روستاهای مازندران نشان میدهد با اینکه روستاهای مذکور از نظر اقتصادی و اجتماعی و ثروت طبیعی در ایران در بالاترین حد قرار دارند، ولی هیچیک از روستاهای مذکور از روی نقشه و طرح قبلی ساخته نشده و اکثر روستاهای فعلی مخروبه و کهنه است و با محیط و احتیاجات کنونی کشور مطابقت ندارد.

روستاهای مذکور که اکثراً برای نظام و سیستم ارباب و رعیتی ساخته شده بود بعلا زین نمیتواند پایدار بماند.

۱ - رشد جمعیت و توسعه شهر نشین حکم می‌کند که کشاورزی کهنه و قدیمی دگرگون گردد و کشاورزی عمقی و علمی جا نشین آن گردد. بطوریکه بهره‌برداری از زمین‌های زراعتی بوسیله وسایل و ابزار تولید مدرن صورت گیرد و کارگر تعلیم دیده و ورزیده و متفکر جایشین دهقان بی سواد و خرافاتی قدیمی گردد و در نتیجه با تعداد کمی آدم مقدار بیشتری محصول از هر هکتار زمین برداشت نمایند و جمعیت اضافی جذب خدمات سودمند و صنایع گردد.

۲ - ممکن است دهقان صد سال قبل برای ساختن يك پناهگاه با مصالح خام

اقتصاد جامعه را دگرگون می‌نماید و اگر ما حتی نخواهیم روستاهای جدید و مدرن ایجاد نماییم ابزار تولید بطور جبری عمل خواهد کرد و مقاومت ناچیز سنت‌ها را درهم خواهد شکست و زمین و محصول آن را بطور جبری از اختیار افراد خارج و در اختیار جامعه قرار می‌دهد.

۷ - برای اینکه کشوری و ملتی ترقی و پیشرفت نماید لازم است فرد فرد جامعه دارای برنامه کار مشخص باشند و یکساعت از وقت و انرژی آنها بیهوده بهدر نرود. بدون داشتن برنامه‌های حساب شده و دقیق برای دگرگونی واقعی روستاها و رسیدن بیک اقتصاد قدرتمند و جامعه‌ای پیشرفته غیرممکن است.

اما در مورد دگرگونی ساختمانی دوساختن روستاهای جدید دو نظر وجود دارد. ۱ - یکی در مورد تعمیر و مرمت روستاهای کهنه و بی‌یلاقی که بیشتر جنبه توریستی دارند و در فصل تابستان آب‌وهوای آنها عده زیادی از افراد شهری را جذب می‌نماید و به‌لر رفت و آمد زیاد و تماس مداوم و سرمایه‌گذاری مردم شهر نشین در اینگونه روستاها می‌توان گفت اقتصاد توریستی جانشین اقتصاد روستائی گردیده است و با سرمایه‌گذاری کمی می‌توان روستاهای مزبور را مرمت و نوسازی نمود و احتیاجات عمومی در رفع نموده اینکار را می‌توان مورد بعضی روستاهای نزدیک شهر و بعضی از روستاهای آباد و تمیز بکار برد.

نظیر اینگونه روستاها در اطراف تهران و شهرهای بزرگ و بخصوص آمل فراوان است اما اگر بخواهیم روستاهای کهنه و قدیمی را از نوسازیم بهتر است که بجای نوسازی موصفی شهرک‌های جدیدی با نقشه حساب شده در محل‌های مناسب ساخته شود.

در این مورد می‌توان پس از انتخاب زمین مناسب چند نوع نقشه را اجرا نمود. ۱ - اجرای نقشه شهرک با یک میدان مرکزی و دوایر متحدالمرکز دیگری

که در اطراف میدان مرکزی ساخته می‌شود اجرای این نقشه و اجرای طرح‌های لوله‌کشی - برق - تلفن محوطه‌سازی و غیره از نظر فنی با اشکالاتی روبرو نمی‌شود.

۲ - اجرای نقشه شهرک با یک میدان مرکزی و تعدادی دوایر و خطوط شطرنجی در واحدهای پانصد خانواری که قابل گسترش باشد و بتواند تا سه هزار خانوار را در برگیرد.

۳ - اجرای نقشه شطرنجی که عبارت از یک خیابان اصلی بعرض ۲۴ متر و چهار باند شطرنجی در اطراف این خیابان اصلی که رویم ۵ باند غربی - شرقی را بوجود می‌آورد و این روستا می‌تواند با سانی ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ خانوار در باندهای قابل تکرار خود جا دهد و برای هر خانوار ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متر زمین در نظر گرفته شده است خیابانها کاملاً در دسترس و برای هر باند یک بازار عمومی و موسسات عمومی و یک گردشگاه در نظر گرفته شده است و ساختمان هر یک از این شهرک‌های ۵۰۰ خانواری در حدود ۶۵ هکتار زمین و هزینه آن ۲۶۰ میلیون ریال برآورد گردیده است و اجرای طرح‌های خدمات عمومی و سرویس‌ها با سانی صورت می‌پذیرد. متأسفانه کلیشه این طرح هنگام حروف چینی آماده نبود و چاپ نشد.

وباریک بر روی اهالی خراب و موجب مرگ عده‌ای زیاد از اهالی گردیده است. در بعضی روستاهای کوهستانی مانند نسل و شیخ موسی (آمل و بابل) و اوزکلا (نور) کوچه‌ها بصورت پله‌کان ساخته شده است و شیب تندی ابتدا و انتهای این کوچه‌ها را بیکدیگر متصل می‌سازد.

در ده‌های این ناحیه برای دسترسی بمزارع عملیات کوه‌نوردی انجام گرفت تا از خانه به سرچشمه آب رسیدیم، در اوزکلا عرض بعضی از کوچه‌ها از ۹۰ سانتیمتر تجاوز نمی‌کرد در بسیاری از روستاهای اطراف بابل با اینکه زمین‌ها شنبوم است اندک باران کافی است تا روزهای متوالی گل‌ولای را بر کوچه حاکم نماید و در اکثر روستاهای مازندران بعلت خاک رس و لجن موجود چنان گل‌ولای چسبیده معابر عمومی را می‌پوشاند که عبور و مرور بیادگان به مهارت کافی و عادت احتیاج دارد چنانکه در بعضی روستاها جاده بصورتی درمی‌یابد که انسان تا زانو در گل فرو میرود و اگر مهارت کافی اعمال نشود امکان مجروح شدن یا شکستن دست و پای روندگان زیادتر می‌گردد و با اینکه انبارهای شن و ماسه در اکثر نقاط مجاور روستاها قرار گرفته است و با اندک کوشش و همت می‌توان این مصالح را با تراکتور یا چهارپایان به معابر روستائی رساند و با اندک سرمایه آنها را باسیمان مخلوط و کوچه‌های ده را بتن نمود، ولی اقتصاد روستائی نبودن اتحاد و مدیریت درده با آنها اجازه چنین فعالیت‌هایی را نمیدهد.

طبق آمار تقریبی تهیه شده در حدود ۶۲۰ میلیون ساعت کار روستائیان مازندران در فصول مختلف بهدر می‌رود.

متأسفانه هیچ برنامه‌ای برای استفاده از این ساعات بی‌کاری تهیه نشده و بنظر می‌رسد اگر از ساعات مزبور جهت نوسازی ظاهری روستاها استفاده شود حد اقل چهره معابر و مؤسسات عمومی ده‌دگرگون می‌گردد.

در مورد راه‌های روستائی که بنظر میرسد اساسی‌ترین احتیاجات کنونی روستاهای

## «مؤسسات عمومی ده»

### معابر و جاده‌های روستائی

فاصله بین منازل در ده کوچه‌ها و معابر می‌پوشاند و برای ارتباط با مؤسسات و مزارع و منازل دیگر و ارتباط با نقاط شهری و روستاهای مجاور باید از معابر جاده‌های روستائی استفاده نمایند.

در اغلب روستاها بخصوص در نقاط کوهستانی این معابر بقدری دارای پیچ و خم و تنگ و باریک بدون شکل و قواره منظم هندسی است، که خاصیت ارتباطی بین خانه‌ها و حمل بار و مصالح را مشکل می‌سازد.

با اینکه زمین فراوان و ارزان است ولی کوچه‌ها و معابر طوری ساخته شده است که عبور وسایل مکانیکی از آن امکان پذیر نیست در بعضی نقاط کوهستانی حتی عبور دامها و آدمیان را با اشکال توأم می‌سازد. این پیچ و خم و تنگی کوچه‌ها سبب مرگ و میرهای وحشتناکی گردیده است، بطوریکه زلزله سال ۳۶ مازندران وسال ۴۵ خراسان بخصوص در اطراف کاخک در اولین امواج زلزله عده‌ای با سرعت از خانه‌ها فرار و بکوچه‌ها هجوم بردند. ولی در امواج بعدی دیوارهای همین کوچه‌ها تنگ

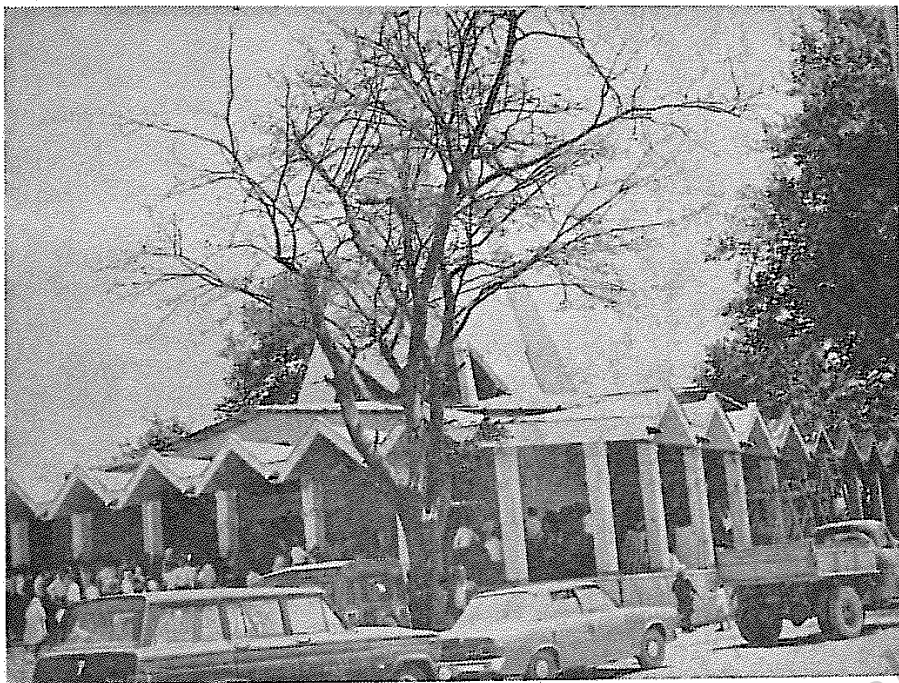
مازندران محسوب می‌گردد، از سالهای ۴۲ بیعد در حدود ۷۷۰ کیلومتر راه روستائی فرعی در استان مازندران بوجود آمده است که این جاده‌ها با هزینه زیادی مثلا با کیلومتر هشتاد هزار تومان تا نیم میلیون تومان احداث گردیده است و تأثیری که این جاده‌های فرعی در اقتصاد روستاهای مازندران داشته‌اند کاملاً مشخص گردیده است و طبق تحقیقی که در ده پل سرا از توابع شهسوار بعمل آمد طی سه سال پس از احداث جاده معلم کوه - نشتارود ساختمانها و کوچه‌ها و حتی لباس پوشیدن و بسیاری از ظواهر روستاهای مزبور تغییر کرده است. اغلب این جاده‌ها با عرض ۸ متر و زیرسازی فنی و حساب شده ساخته گردیده است.

### « مسجد - تکیه - امامزاده »

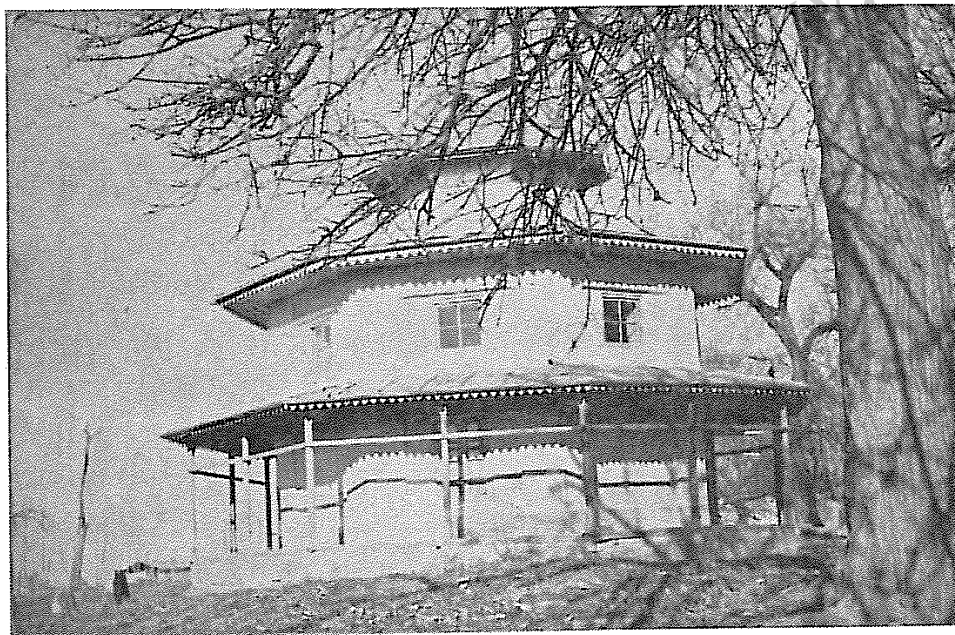
در روستاهای مازندران ساختمان این بناها یکی از ضروریات زندگی کشاورزان بوده است .

بعلل ریشه‌های اقتصادی و مذهبی و روانی احتیاج به ساختن مسجد - تکیه - امامزده ضرورت کامل یافته است بطوریکه طبق تحقیق در ۵۰ ده از دهستان دشت سر متجاوز از ۳۹ ده دارای مسجد بوده است .

پایداری مذهب اثنی عشری موجب گردیده است که ساختن تکیه جای بسیاری از مساجد را گرفته است این تکیه‌ها با چوب و یا خشت و گل در فضای بازی ساخته میشود و سبک معماری دوره صفوی و قاجاریه در اغلب آنها مشاهده میشود. این مسجد و تکیه اغلب در ماههای محرم و رمضان مورد استفاده اهالی قرار می‌گیرد و در بقیه ایام سال گاهی بصورت مدرسه مورد استفاده قرار می‌گیرد که طلاب علوم دینی در آن مشغول تحصیل هستند . از آنجمله مدرسه و تکیه بلده نور که دارای کتابخانه و چند کتاب جالب قدیمی هم است و در کوهستان آسیاب سر به شهر مسجدی با کف پوش حصیری محل تحصیل طلاب علوم دینی و محل مراجعه کنندگان است در مسجد بناور گمیشان طلاب ترکمن مشغول فراگیری علوم مذهبی بودند .



امامزاده عبدالله آمل بزرگترین امامزاده روستای درمازندران



ساختمان امامزاده ابراهیم در روستای اطراف گرگان

اما ساختمان امامزاده‌ها بخصوص در مناطق کوهستانی زیاد است ، بطوریکه در ۲۵ ده بالا لاریجان آمل در حدود ۹ ده دارای امامزاده هستند و در دشت‌ها بعقل مختلف از آنجمله نداشتن سابقه زیاد امامزاده‌ها در شهرها جای دارند .

بزرگترین امامزاده مازندران در حومه آمل است که درآمد سالیانه آن از راه نذر و نیاز مردم بالغ بر ده میلیون ریال و زیارت کنندگان آن از صدهزار نفر در سال تجاوز می‌کند و بنام امامزاده عبدالله مشهور است .

امامزاده العبدالحق زیرآب و امامزاده عباس ساری و امامزاده‌های دیگر در درگنبد کاوس - گرگان شاهی و نور و سایر نقاط مازندران وجود دارد که بعضی از ساختمانهای آنها از نظر سبک معماری بسیار جالب و دارای درب و صندوق‌ها منبت کاری و تاریخی می‌باشند .

در بسیاری نقاط درختان هم مورد احترام هستند از آنجمله در هیلدشت بابل و در تلوت بابل چند درخت نظر کرده وجود دارند که مورد احترام مردم بابل کنار هستند و در بسیاری نقاط دیگر این درختان بنام آقا نامیده شده‌اند و بریدن شاخه این درختان حرام و شکار پرندگان روی آنها بدینم اعلام گردیده است در سال ۴۳ هنگامیکه در مسیر یکی از جاده‌های فرعی یکی از این درختها برخورد کردم ، بسیاری از اهالی و کارگران محلی از قطع کردن این درختها در هراس بودند این امامزده‌ها و درختان و سنگها که در هر گوشه و کنار مازندران وجود دارند نشانه‌ای از احتیاجات روانی مردم محروم روستاهاست .

در ۵ مورد مصاحبه‌ای که با زائران امامزاده عبدالله آمل بعمل آمد و مورد بیماران بودند که پزشکان پایتخت از معالجه افراد مزبور اظهار ناامیدی نموده و برای معالجه خود باین امامزاده آمده بودند و یک نفر برای بچه‌دار شدن و یک نفر برای یافتن کار و آخری جهت برگشتن پسرش از سر بازی باین امامزاده مراجعه کرده بودند .

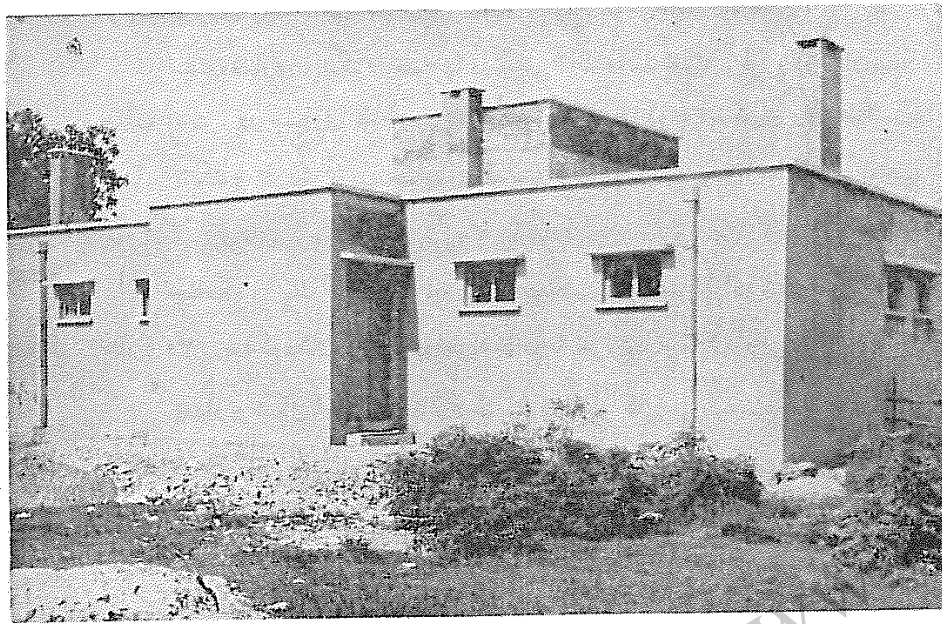
در نقاطی که امامزاده و تکیه و چوب و سنگ دسترس نیست اهالی ، محلی



را بعنوان نظر کرده مشخص می نمایند و در مواقع حاجت و در بعضی از روزهای سال بآن محل مراجعه می نمایند ، و در ضمن زیارت تفریح مخفی هم انجام می پذیرد و احترام و زیارت سنگ - چوب - قبور گرچه در مذهب اسلام مورد مذمت بوده است ولی دهقان بی سواد بی پناه که با اندک خشم طبیعت فرزند - زمین - گاو - درخت خود را از دست می دهد برای نجات از خشم کور طبیعت بهر پناهگاهی پناه می برد و محرومیت های دایمی خود را بازگو می کند و از نیروهای ماوراءالطبیعه کمک می طلبد تا زمانی که دهقان ایرانی - بی سواد - زبون محتاج است این اماکن پا برجا و محترم خواهند ماند. در تابستان سال ۴۴ در نزدیکی شاهی جاده می ساختیم يك روز عصر خبر آوردند که دو کودک خردسال مسموم شده اند فوراً ماشین کارگاه را در اختیار بیماران گذاشتیم متأسفانه کودکان معصوم از غیبت مادر استفاده نموده بطری نفت را بجای آب نوشیده بودند و در بیمارستان معالجات موثر واقع نشد و روز بعد طی مراسمی هر دو کودک که فرزندان سید فقیری بودند دفن شدند .

در حدود سه هفته بعد پیرمردی خواب نما شد و معلوم شد این دو کودک صاحب گرامت بوده اند و بزودی اطراف قبرها محصور و شبها بوسیله شمع روشن می شد و مردم از دور و نزدیک هدایا و نذرهای خود را برای این معصوم زاده ها می آوردند و پیرمرد خواب نما و مادر کودکان متولی این امامزاده نوپا شدند ...

خوشبختانه جریان جدیدی از ارتباطات و برخورد علوم با این خرافات قوام و دوام میگیرد و احداث جاده و ارتباط با مردم شهرها و نقاط مختلف موجب تغییرات زیادی در آینده خواهد شد و روز بروز روابط تجاری و پولی جانشین روابط قبلی میگردند و حکومت پول درده با همه قدرتی که دارد، اعتقاد به تقدیر را در نزد روستائیان سست می نماید .



حمام نوساز در روستای ایزده نور

سوخت این حمامها با هیزم و در بسیاری نقاط با ذغال سنگ می باشد .  
 بجای اینج و فارسنگا از تیئون با دیک مسی استفاده می نمایند در روستاهای  
 جدیدالاحداث و حمامهای نوسازی جدیدی ساخته میشود که اغلب مدرن و درروی  
 زمین ساخته شده اند و موتور پمپ آب آنها را بالا میکشد و موتور اینج یا نفت سیاه  
 سیاه و گاهی ذغال سنگ آب حمام را گرم میسازد .  
 روستائیان مازندران علاقه زیادی برای ساختن حمام دارند . نزدیک نود در صد

## «حمام و مدارس روستایی»

رعایت و اجرای فروع مذهبی یکی از عوامل عمده وجود ساختمان حمام در  
 اکثر روستاهای مازندران محسوب میگردد ، اما در گرگان در بسیاری از روستاهای  
 ترکمن نشین اصولاً حمام وجود ندارد .

در سراسر کوهستانها مازندران روستاهای فراوانی را می توان بازدید نمود که  
 دارای حمامهای قدیمی هستند از آنها بصورت های مختلف استفاده می نمایند .  
 حمامهای قدیمی بعلت آنکه آب بر آنها سوار نمیشود در زیر زمین ساخته میشوند و  
 تا عمق ۳ متر یا ۵ متری سطح زمین قرار میگیرند .

اینگونه حمامها تقریباً در بسیاری از کوهستانهای نور - آمل - بابل شاهی تا  
 گرگان یکسان هستند ساختمان آنها عبارت از یک سری پله تا کف حمام و یک رخت کن  
 تنگ و تاریک که به چهار حجره تقسیم شده و سپس یک راهرو پیچ در پیچ که مانع  
 ارتباط هوای گرم داخل حمام گرم و رختکن میگردد فضای اینگونه حمامها حتی  
 در روز هم تاریک است و خزانه های از آب گرم در انتهای آنها قرار گرفته است که  
 بتدریج - اهالی این خزانهها را مسدود و در کنار آنها دوش نصب می کنند و مورد  
 استفاده قرار میدهند .

روستاهای مازندران غربی و مرکزی دارای حمام هستند و اغلب مصالح این حمامها از سنگ و گل و آهک می باشد .

سبك معماری اینگونه حمامها در بعضی نقاط مانند اسك - نوا ولاریجان بسیار جالب است . در بسیاری نقاط هم تقلید ناقص جای هرگونه ابتکاری را گرفته است. تنگ و تاریک بودن حمامهای قدیمی و غیر بهداشتی بودن آنها گاهی موجب شیوع بیماری های پوستی و مقاربتی و غیره میگردد .

چنانکه در يك گزارش اولیه اداره بهداشت نور نشان داده شده است که در حدود ۴۰ درصد کودکان روستاهای اطراف و حومه سولده به بیماری کچلی مبتلا بوده اند. تعداد و شکل این حمامها از غرب بشرق تغییر کلی می یابد، بطوریکه در دشت گرگان و در منطقه روستائی ترکمن نشین رفتن به حمام با کراهت صورت میپذیرد . در مدت پانزده روزی که در بی بی شیروان واقع در ۳۸ کیلومتر شمالی علی آباد سکونت داشتم حتی یک نفر را ندیدم که در آب رودخانه هم شستشو نماید در حالیکه ده مزبور در حدود ۶۰۰ نفر جمعیت داشت و فاقد حمام بود .

و در ۴۹ ده از دهستان مراوه تپه تنها در مرکز این دهستان يك حمام در سال قبل ساخته شده است که اغلب ایام درب آن بسته است . ساختمان مدارس هم پس از اعزام سپاهیان دانش در داخل روستاها سرعت لازم را کسب نموده است و اکثر روستاها در مسابقه دبستان سازی برای ده خود فعالانه شرکت نموده و می نمایند .

ساختمان اینگونه مدارس روستائی که بدست اهالی و بدون کمک مستقیم دولت ساخته میشود با مصالح محلی و طرح های ابتدائی ساخته میشود .

اغلب مصالح از خشت و گل و چوب و گاهی آجر و باسقف شیروانی یا کاهگلی و اطاقها با باعد متغیر ساخته شده است .

در نسل از روستاهای نمارستاق در اطاقهای مدرسه چند استر مشغول استراحت بودند در بها شکسته و سقف در حال ریزش بود و اولیای کودکان کار در مزرعه و گله چرانی را بهتر از آموزش و پرورش زمانه تلقی کرده بودند در نوا یکی از روستاهای مهم ولاریجان حیاط دبستان خالی - خاکی - اطاقها گلی - کهنه سقف در حال ریزش و کودکان بالباسهای مندرس و مشغول یادگیری بودند .

درده نوسر مدیر دبستان ما را بدیدن کلاس دعوت کرد اطاقی بود با بعداد ۳×۵ متر کف اطاق پر از خاک و بر دیوار گلین کلاس چند تصویر بهداشتی آویخته بودند ۶ عدد میز و نیمکت چرکین - شکسته - کهنه تمام کف کلاس را می پوشاند .

۲۲ نفر شاگردان قدونیم قد در کلاس چهارم این دبستان مشغول یادگیری بودند . شاگردان زنده پوش و بریده رنگ با گونه های خاک آلود و حیرت زده بمانگاه میگردند .

از شاگردی پرسیدم اسمت چیست از خجالت سر را به سینه فرو برده بود و سؤال بدون پاسخ ماند .

از دیگری پرسیدم دلت میخواهد پس از تحصیلات چه کاری انجام دهی و چه شغلی انتخاب کنی ، پس از تردید زیاد اظهار داشت علاقمند است پس از خلاصی از این اطاق تنگ و تاریک مانند عمو قاسم خود به شغل چوپانی بپردازد .

مدیر مدرسه آماری نشان میداد که طی سه سال اخیر تنها دو نفر از شاگردان این دبستان توانائی ادامه تحصیل در شهر را داشته اند و بدبیرستان راه یافته اند ، اخیراً دبستانی جدیدی برای این ده ساخته شده است .

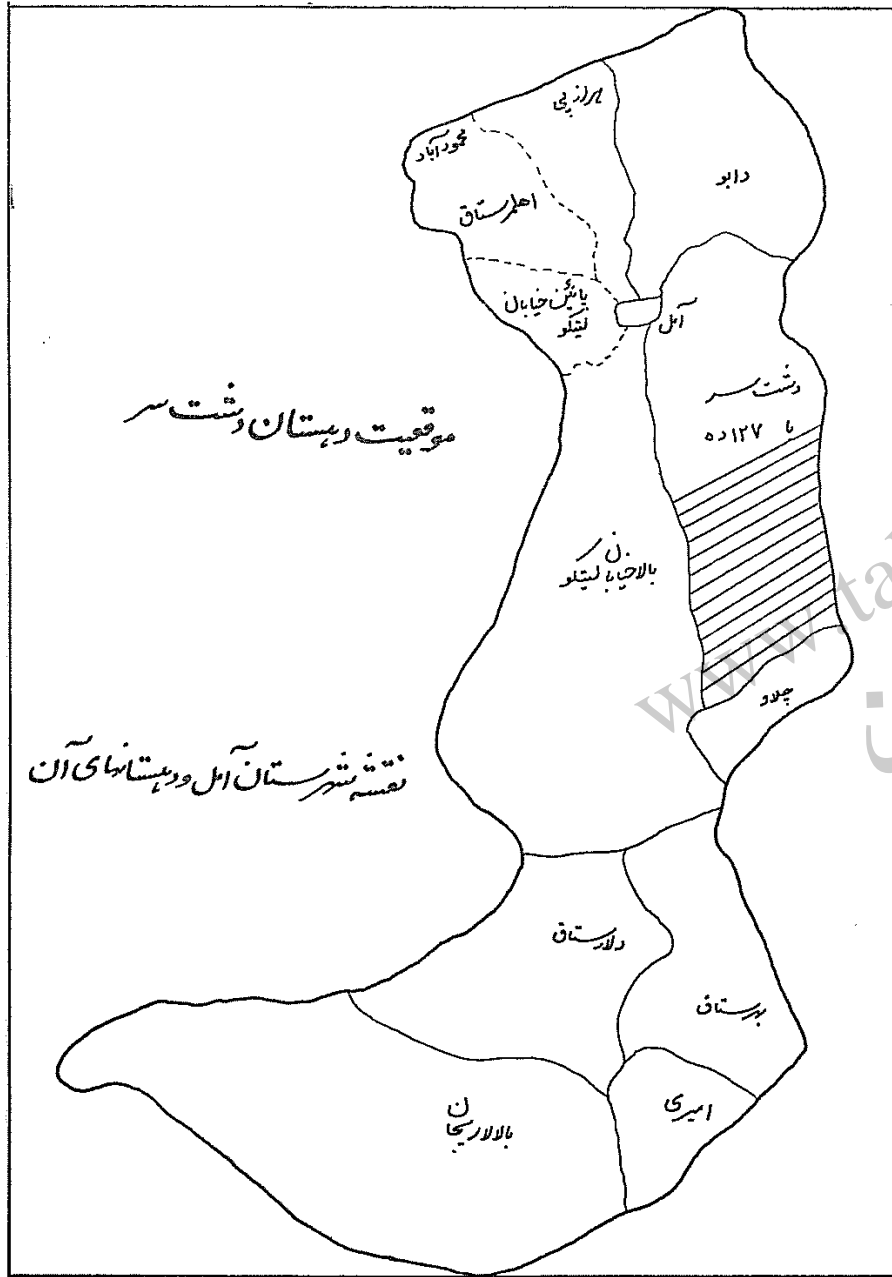
در کچب علیا دبستان نوسازی بوسیله اهالی ساخته شده بود ، که در حدود ۲۳۰ نفر شاگرد در آن مشغول تحصیل بودند . اغلب شاگردان و اطاقها تمیز و مدیر و معلمین بسیار فعال و علاقمند بکار خود بودند . در قرونه علیا ۶۰ نفر از شاگردان مدرسه در زیر چادر مشغول یادگیری زبان فارسی از معلم خود بودند ، زیرا زلزله اخیراً اطاقهای

گلین را درهم ریخته بود .

در اسکو محله واقع در شمال غربی آمل از ۲۰۰ شاگرد فقط پنجاه نفر از آنها می توانستند بطور ایستاده در تکیه مخروبه به تحصیل بپردازند . اخیراً با اعتبارات سازمان بر نامه وزارت آبادانی و مسکن و آموزش و پرورش در بعضی از روستاها مدارس چهار کلاسه بسیار زیبا- محکم و مدرن می سازند که هزینه ۱۹۲ متر مربع زیر بنای آنها در حدود چهل هزار تومان بر آورد گردیده و در حدود  $\frac{1}{5}$  آنرا اهالی یا انجمن از خود باری یا صدی دو عمران ده پرداخت یا تعهد می نمایند .

اگر ساختمان این مدارس با تعداد بیشتر و سرعت بهتر انجام پذیرد می توان امیدوار بود که طی ۳۰ ساله آینده در اغلب روستاها از اینگونه مدارس مدرن و محکم ساخته شود .

متأسفانه در اثر اعمال نفوذ و بی توجهی در بسیاری از نقاطی که اینگونه مدارس ساخته میشود با احتیاجات مردم هماهنگی ندارد مثلاً در نقاطی برای ۵۰ دانش آموز یک دبستان ۵ اطاقه ساخته میشود ، در نتیجه سه کلاس این مدرسه پیوسته خالی میماند در حالیکه در بسیاری نقاط روستاهای بزرگ فاقد مدرسه هستند .



۶۰۰۰ خانوار ساکن این دهستان هشت هزار هکتار زمین زراعتی را در اختیار دارند. یعنی بطور متوسط بهر خانوار ۱۳ هکتار زمین تعلق میگیرد که با کشت برنج و گاهی کاهو و حبوبات زندگی خود را تأمین می نمایند.

زمین های مزبور را می توان با چهارصد خانوار مورد بهره برداری علمی قرارداد ۲۹ هزار نفر جمعیت اضافی در دهستان مزبور با اندک غذا و درآمد زیست می نمایند. و در حقیقت جمعیت اضافی هستند که چهار بیکاری مخفی می باشند.

در ۱۲۷ ده مزبور فقط ۲۹ دبستان سپاهی و ۶ دبستان ۶ کلاسه وجود دارد که تعداد ۳۵۶۹ شاگرد روزانه و شبانه در آن مشغول یادگیری دروس مربوطه بوده اند.

اگر بخواهیم بی سوادان قبلی را با امید روزگار بگذاریم و اطفال لازم التعلیم این دهستان را هر ساله بمدرسه بفرستیم احتیاج به ۲۵۰ کلاس جدید و ۲۵۰ معلم جدید و وزیده داریم.

در تمام دهستان مزبور تنها یک ده از آب لوله کشی بهره مند است. آنهم ده شهنه. کلا است که دوماه قبل با کوشش آبادانی و مسکن منطقه لوله کشی شده است.

۱۲۶ ده و مزرعه دیگر از آب آشامیدنی و سالم محروم هستند. بخصوص که اصلا در این دهستان چشمه وجود ندارد. و آب آشامیدنی از چاه و انبار تأمین میشود.

در تمام دهستان مزبور حتی یک غسالخانه وجود نداشته است. و مرده ها را در همین انبار شستشو میدهند. تنها در مانگاه این دهستان در نظام آباد است که اخیراً تعمیر

گردیده است و دارای دو کارمند می باشد و دکتر یا پزشک یا بهر چه نداشته است خوشبختانه اکثر روستاهای مزبور از ساختمان حمام بهره مند بوده اند که ۶ حمام نوساز و بقیه کهنه و قدیمی می باشد.

برای دهستان مزبور لازم است ۱۵۳ کیلومتر جاده جدید ساخته شود تا ارتباط

## « دیدار کلی در یک دهستان آمل »

برای اینکه مؤسسات عمومی ده در استان مازندران بطور دقیق بررسی گردد تحقیقاتی در یکی از دهستانهای اطراف آمل صورت گرفته است که بعقل متعددی می تواند در حد میانگین خوب برای مازندران غربی و مرکزی بشمار آید.

نام دهستان مزبور دشت سر نامیده میشود و روپهم ۱۲۷ ده را در بر گرفته است. در حدود ۳۱۳۵۰ نفر جمعیت دارد. بزرگترین ده این دهستان و سطحی کلا با ۱۹۶۶ نفر جمعیت و ۳۹۳ هکتار زمین مزروعی بوده است. و کوچکترین مزرعه آن مانند دکان سرولاستر جمعیت بسیار محدود در حد یک خانوار داشته اند.

در حالیکه متوسط جمعیت در ۱۲۷ نقطه مسکونی این دهستان باید ۲۵۰ نفر باشد و در حدود ۴۲ ده آن جمعیتی بیشتر از ۲۰۱ نفر داشته اند.

کار آنها کشت شالی است و در بعضی روستاهای کم آب آن مانند نظام آباد و اجبار کلا سیفی کاری هم رواج دارد. ولی تک محصولی و کشت برنج در آینه هم برای این دهستان حاکم خواهد بود. زمین ها اغلب شیب دار هستند و بوسیله رودخانه کاری یکی از شعبات رودخانه هراز آبیاری میگردد.

آنان باشهرآمل برقرار گردد .

خوشبختانه رویهم در این دهستان ۲۸ شرکت تعاونی مشغول فعالیت و کار هستند. و اینگونه شرکتها در صورتیکه خوب کار کنند دست نزول خوران و سلف خران را از دامن روستاها کوتاه خواهند کرد . با توجه باینکه سودپول در شهرستان آمل و در این دهستان به ۵۰ درصد میرسد اهمیت این شرکتها بیشتر روشن میشود .  
متأسفانه با وجود کوشش این شرکتهای تعاونی در بعضی از روستاهای این دهستان مانند نظام آباد با ۸۵ خانوار در حدود ده میلیون ریال به نزول خوران و بانکها بدهی دارند با وجود تلاش ۳۲۵ اتحادیه تعاونی روستائی در مازندران با هم بملل متعدد سلف خران و نزول خوران مالکین واقعی روستاها هستند و روستائیان مجبورند تمام سال کار کنند و محصول خود را تقدیم آنها نمایند .

برای اینکه از نظر اقتصادی هم ضابطهای بدست دهم در چند ده از دهستان مزبور تحقیقاتی انجام گرفته است که يك نمونه آنرا از نظر خوانندگان میگذرانیم . شهندکلا واقع در ده کیلومتری جنوب شرقی آمل قرار گرفته است . دارای مردمی فعال و زحمت کش است در حدود ۱۶۴ خانوار در ده مزبور سکونت دارند که رویهم ۸۲۰ نفر می شوند دارای ۱۵۲ هکتار زمین مرروعی است در حدود ۱۲۰ هکتار آن را هر ساله برنج کاری می نمایند و ۳۲ هکتار آنرا بعلت نبودن آب بکشت گندم و کف یا پنبه اختصاص میدهند .

اگر زمینهای این ده را بطور عادلانه بین اهالی تقسیم نمایند و بهر يك از خانوارهای مقیم این ده يك هکتار زمین آبی بدهند پانزده خانوار از داشتن زمین محروم میگرددند اما در شرایط فعلی در حدود ۵۵ خانوار اصلا زمین ندارند و کار آنها کارگری و عزیمت

بنقاط و دهستانهای مختلف دیگر است که بطور روز کار کنند و درآمدی در حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان درآمد سالیانه را برای خانواده خود باینده بیاورند و بسیاری دیگر از خانوارها ساکن این ده زمینی بوسعت نیم هکتار تا دو هکتار دارند و سه خانوار زمینی بیشتر از ۴ هکتار دارند .

با آقای علی شعبانی رئیس انجمن ده مزبور مصاحبه ای داشتم که بشرح زیر بود .  
آقای شعبانی میگویند «من ۳۶ سال سن دارم و ۶۲ کیلو وزن و ۱۶۰ سانتیمتر قد دارم و برای دوبر متوالی به ریاست انجمن عمرانی ده انتخاب شده ام ، دارای چهار پسر و سه دختر و رویهم با مادرم ده سرعائله دارم . دارای ۲۱ هکتار زمین مرروعی هستم که هر ساله ۱/۵ هکتار آنرا برنج کاری می کنیم و بطور متوسط ۳۱۰۰ کیلو برنج به ارزش ۶۵۰۰۰ ریال از زمین مزبور محصول بر میدارم . در حدود ۱۶ رأس گوسفند هم دارم که درآمد سالیانه آنها در حدود سه هزار ریال می باشد ، از زمین خشکه خود هر ساله يك تن گندم معادل پنجهزار ریال درآمد دارم ، گاهی کف میکارم که در همین حدود درآمد دارد .

هزینههایی که برای زمین مزبور داده ام بشرح زیر است :

هزینه شخم زمینها	۶۸۰۰ ریال	درآمد کلی
بهره مالکانه	۱۷۱۰ ریال	فروش برنج ۶۵۰۰۰ ریال
خرید ۴۰ کیلو کود	۵۲۰۰ ریال	درآمد دامداری ۳۰۰۰ ریال
خرید بذر	۱۲۰۰ ریال	درآمد از فروش گندم ۵۰۰۰ ریال
کرایه و حمل شالکوبی	۶۰۰ ریال	۷۳۰۰۰ ریال
۱۵۵۱۰ جمع هزینه		

درآمد خالص این خانوار ده نفری در سال ۵۷۳۹۰ ریال می باشد که معادل ۷۵۶

دلار می‌گردد و بهر نفر از افراد خانواده در سال در حدود ۷۶ دلار می‌رسد .

البته آقای شعبانی درده خود جزو ثروتمندان محسوب می‌شود و دارای احترام کافی و کامل است و او یکی از سه نفری است که در ده بدهی ندارد و در مقابل دهها خانوار در ده مزبور سکونت دارند ، که حداکثر درآمد سالیانه آنها از دوهزار تومان تجاوز نمی‌کند .

متأسفانه در این ده هیچگونه صنایع دستی وجود ندارد.

اگر درآمد سالیانه ده را یعنی درآمد ۱۲۰ هکتار زمین شالی زاری و ۳۲ هکتار زمین خشکه و درآمد حاصله از دام‌داری (۱۲۴۰ دام مختلف موجود در ده) را محاسبه نماییم و به ۸۲۰ نفر جمعیت مزبور تقسیم نمائیم بهر نفر بطور متوسط چهار هزار ریال که معادل ۵۳ دلار می‌باشد می‌رسد .

اگر دهقان ایرانی بخواهد بشیوه دهقانان کشورهای پیشرفته زندگی نماید ، یعنی درآمدی متجاوز از هزار دلار داشته باشد چه باید بکند ؟

بنظر می‌رسد اولین راه حل این باشد که بهر خانواده پنج نفری در مازندران غربی و مرکزی ۲۰ هکتار زمین شالی زاری داده شود و در نقاط دیگر کشور برای هر خانواده در حدود ۵۰ هکتار زمین مزروعی در نظر گرفته شود و با ایجاد شرکت‌های تعاونی تسهیلات لازم را جهت سرمایه‌گذاری‌های فنی-مالی-علمی فراهم گردد، مثلاً در ده‌شپنه کلا باید تنها ۷ خانوار سکونت نماید و با ۷ خانوار در مرکز شهر حساب شده‌ای سکونت نماید و مسئول اداره این مقدار زمین باشد بقیه یعنی ۱۵۷ خانوار دیگر این ده چه باید بکنند ۱۹ و جمعیت روز افزون دیگر که هر ساله بر این خانوار اضافه می‌شوند چه باید بکنند ۱۹ و چگونه باید زندگی کنند ۱۹

بنظر می‌رسد این مشکل بزرگی است که راه حل نزدیک و ساده ندارد .

مشکل بنظر می‌رسد که سیستم‌های کهنه اقتصادی و اداری کنونی بتوانند چنین مسائلی را حل نمایند ، بنابراین رسیدن به سطحی که کشاورز ایرانی از درآمد کافی و تربیت کامل برخوردار شود تا سالهای متممادی دیگر غیرممکن بنظر می‌رسد و اگر در ۳۰ سال آینده باین حد و مرز برسد ، در آن زمان کشورهای پیشرفته بحدی رسیده‌اند که فاصله خیلی بیشتر و عمیق تر از زمان فعلی گردیده است .

دارد و حتی در شرایط کنونی تولید محصولات عمده‌ای مانند پنبه، برنج، گندم، جو، چای، توتون، مرکبات و کتف سبزیجات و بقولات و میوه‌جات دیگر و دام‌داری درآمدی معادل چهارده میلیارد ریال نصیب ۱/۵ میلیون نفر روستائین آن می‌گرداند بنابراین برای هر خانواده پنج نفر بطور متوسط در سال در آمدی معادل ۸۵۰ دلار میرسد، و در نتیجه درآمد سرانه خالص هر نفر از ۱۱۶ دلار تجاوز می‌کند.

البته همانطوریکه گفته شد این ثروت و درآمد بطور عادلانه توزیع نمی‌شود. بلکه برحسب اینکه خانوار کشاورز در کدام منطقه زیست مینماید و مقدار زمین نسبت بافرااد چگونه تقسیم شده باشد مثلاً ممکن است کشاورز ساکن ده هیلدشت بابل و یا کشاورز ساکن ده نشل واقع در کوهستانهای بندپی خیلی بیشتر از کشاورز ساکن علی‌آباد کتول زحمت بکشد و خیلی بیشتر از باغ دار معلم کوه شهسوار کار بکند ولی در سال درآمدی معادل  $\frac{1}{3}$  آنها از زمین‌های مزروعی خود برداشت نماید.

در گرگان و دشت صاحبان سازمانهای کشاورزی گاهی محصولاتی معادل ۲۴۰ میلیون ریال در سال برداشت نموده‌اند. که سود خالص آنها در بعضی موارد برای خانوار ۸ نفری آنها از ۴ میلیون ریال تجاوز نموده است.

برای اینکه معدل خوبی از وضع درآمد و معیشت روستائین مازندران وسطی بدست آید مصاحبه‌ای را که با دو نفر از افراد روستاهای مختلف بعمل آمده نقل می‌گردد. آقای همت اسماعیلی رئیس انجمن ده طلوت گنج افروز که در ۱۲ کیلومتری جنوب بابل سکونت و تحصیلاتی در حدود ششم ابتدائی دارد و در حدود ۳۸ سال سن و ۱/۷۰ مترقد و ۶۸ کیلو وزن صورتی لاغر با گونه‌های برجسته و چشمانی درخشان و سیاه و نگاهی نافذ یکی از ثروتمندان ده طلوت می‌باشند. درآمد سالیانه نامبرده را از زبان خودشان بازگو می‌کنیم «من در ده طلوت در خانه پدری که از مالکین عمده این حدود بوده سکونت دارم. این خانه از سهاطاق و در حدود یک هکتار زمین خشکه

## «درآمد سرانه در روستاهای مازندران»

روستائین مازندران از نظر درآمد سرانه مقام اول را در بین روستاهای ایران اشغال نموده اند و می‌توان گفت درآمد سرانه روستائین مازندران در مجموع حداقل دو تا چند برابر درآمد سرانه سایر روستائین کشور می‌باشد.

در شرق و غرب مازندران گاهی درآمد سرانه یک خانوار روستائی در سطح بسیار بالائی است.

متأسفانه این درآمد سرانه هرگز بطور عادلانه در بین همه خانواده تقسیم نمی‌شود در نتیجه در شهسوار و یا اطراف گرگان زمین‌داران یا باغ دارانی هستند که نمیدانند با درآمد گزاف خود چه بکنند.

در حالیکه در همین نواحی خانوار زیادی هستند که نمیتوانند هزینه غذا و پوشاک خانوار خود را تأمین نمایند، و در بسیاری از نقاط کوهستانی اکثریت مردم برای اینکه زنده بمانند مجبورند سراسر سال را در جستجوی کار شهر بشهر مهاجرت نمایند. در استان مازندران چنان ثروتی رویهم انباشته گردیده است که بهره برداری علمی از جنگلهای آن می‌تواند اقتصاد یک کشور پنج میلیون نفری را توان و قدرت بخشد. بهره برداری علمی و فنی از معادن و از دریای طلاخیزش احتیاج بنوشتن رساله جداگانه‌ای



تشکیل گردیده است .

روبیم عائله من ۶ نفر هستند .

ده طلوت دارای ۱۱۸ خانوار و ۶۰۰ نفر جمعیت است و صد هکتار زمین شالی زار و ۵۰ هکتار زمین خشکه است . آب را از رودخانه و نهر قدیمی که از رودخانه بابل جدا میشود . تأمین می نمایم با این وجود اخیراً ۸ حلقه چاه جدید در زمین های اطراف ده حفر گردیده است محصول عمده ده برنج - جو - باقلا - پنبه - کتف می باشد . ده ما مدرسه - حمام درمانگاه ندارد ۴۰ نفر دانش آموزان این ده زیر نظر سپاهی دانش در ده مشغول یادگیری دروس مربوطه هستند .

درده ما هیچگونه صنایع دستی رواج ندارد تنها کسی که در ده به نگهداری گوسفند پرداخته است اینجانب میباشم که دارای دو رأس گوسفند هستم در آمد سالیانه من بشرح زیر است که در ده از املاک پدری در حدود دو هکتار زمین شالی زاری دارم که روبیم ۴۲۰۰ کیلو برنج بارزش ۸۴۰۰۰ ریال تولید می نمایم از مرغ گاو و گوسفند و درختان باغ اطراف خانه و غیره در حدود ۹۰۰۰۰ ریال در سال بهره میگیریم .

روبیم در آمد سالیانه ام در حدود ۹۳۰۰۰ ریال میگردد در مقابل آن هزینه های

زیر را دارم .

خرید و حمل کود	ریال ۶۰۰۰	هزینه آبیاری	ریال ۴۴۰۰
شخم و آمادگی زمین	« ۴۰۰۰	حق دهبانی و غیره	ریال ۱۰۵۰
مزد کارگری	« ۱۰۰۰۰	جمع هزینه ها	ریال ۳۰۸۵۰
خرمن کوبی و بندر	« ۵۴۰۰		

باقیمانده درآمد ۶۲۱۵۰ ریال بوده است البته من باید هر ساله مبلغی از درآمد خود را بچند خانواده از خویشان خود بدهم زیرا در مقابل این درآمد استثنائی، خانواده

من و خانواده پسر عمویم رضی اسماعیلی وجود دارد که روبیم ۲۰ هکتار زمین مزروعی دارد و درآمد سالیانه او از زمین مزبور و کار مزروعی در زمین های دیگر از ۱۲۰۰۰ ریال تجاوز نمکند و بعلت بیماری اغلب عائله او احتیاج بکمک من و امثال من دارند . اگر این حداکثر درآمد یک خانواده ده را باحد متوسط و حداقل درآمد خانوار دیگر این ده روبیم جمع کنیم و به افراد هر سه خانوار تقسیم نمایم و حتی عدالت را کاملاً اجرا نمایم درآمد سرانه هر نفر از ۴۰۰۰ ریال در سال تجاوز نمیکنند .

ده اسکو محله در ۱۲ کیلومتری شمال غربی آمل قرار گرفته است در حدود ۴۰۰ خانوار در آن زندگی می کنند . و تنها ۴۳ هکتار زمین زیر کشت دارد . بقیه اهالی ده یا کارگاه چوقا بافی دارند و یا به چوپانی برای دیگران میپردازند .

در تمام ده مزبور یک ساختمان آجری وجود ندارد ، خانه ها مخروطی و کثیف کوچکها پر از لجن و گل ولای ، آب خوردن و شستشو ، مایع سیاهی در کف جویها است که مورد استفاده اهالی قرار میگیرد .

حمام قدیمی کثیف و کهنه مورد استفاده مردم است . مدرسه و درمانگاه ندارد از ۳۰۰ دانش آموز تنها ۵۰ نفر از آنها توانستند در تکیه ده مجاور به تحصیل بپردازند شعبان دادش پور می گوید من یکی از افراد مرفه این ده هستم زیرا یک هکتار زمین شالی و یک گاو و ۶ رأس گوسفند دارم البته عائله منم هستم زیرا باید غذای ۹ نفر را تهیه نمایم ، درآمد من از زمین هر ساله ۱۲۰۰ کیلو برنج به قیمت ۲۴۰۰۰ ریال است . از دامداری هم سالیانه در حدود ۳۵۰ تومان درآمد دارم . در مقابل هزینه بندر بهره مالکانه و غیره در حدود ۲۷۰۰ ریال هر ساله پرداخت می نمایم و روبیم ۲۴۸۰۰ ریال درآمد سالیانه خانواده ۹ نفر من می باشد و تمام سال را کتف با ماست میخوریم و در سال تنها سه بار گوشت خورده ام ، از او پرسیده شد چرا بیمار می شوید؟ جواب داد نمیدانم . حتماً خدا میخواهد .

از او پرسیده شد چرا فعالیت خود را گسترش نمیدهید تا درآمد بیشتری داشته باشید؟ او عقیده داشت کار نیست جنگلهای که ملی شده و زمین هم کم است کار دیگری نمیدانم ۹ ماه از سال را بیکار هستم .

برای اینکه از نحوه درآمد و طرز زندگی يك دهقان تر کم ن غله کار هم آگاه شویم مصاحبه‌ای با آقای قارمحمد نوری زاده ساکن ده قره کیله از توابع خواجه نفس را ذکر می‌نمایم .

آقای قارمحمد نوری زاده ۴۴ ساله که سواد ندارند ولی از معتدین ده قره کیله هستند اظهار میدارند :

«من پنج هکتار زمین در اختیار دارم که بعلت نبودن آب هر ساله آنرا بطور دیم گندم یا جو میکارم که تقریباً درآمد هر دو محصول از نظر قیمت مساوی است و هر ساله در حدود ۱۲۰ کیسه ۶۴ کیلوئی جو به ارزش ۳۸۴۰۰ ریال از زمین مزبور محصول برداشت می‌نمایم .

چهل رأس گوسفند دارم که برای هر يك در سال ۱۵۰ ریال آب آشامیدنی که با بشکه حمل می‌شود خریداری می‌نمایم و در سالهایی که مراتع خوب باشد در حدود ۶۰۰۰ ریال عایدی نصیب خانواده من می‌نمایند .

پسری دارم به سن ۱۸ سالگی که کار او حمل و فروش آب با گاری می‌باشد او هم در سال درآمدی معادل ۱۸۰۰۰ ریال دارد .

خانم و دخترم قبلاً با ۱۲ ساعت کار روزانه در سال ۳ عدد قالیچه تر کم ن می‌بافتند که رویهم پس از کسر هزینه‌های خرید پشم و مواد اولیه در حدود ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ ریال در سال نصیب آنها میشد ولی چند سالی که بیماری مانع اینکار است . رویهم درآمد خانواده‌ام هر ساله از ۶۲۴۰۰ ریال تجاوز نمی‌کند و طبق سنت و مذهب هر ساله ده يك این درآمد را با اقوام فقیر خود میدهم و رویهم ۲۱۵۶۰ ریال

هزینه‌های مختلف برای شخم زمین - هزینه بذر - درو بوسیله کمباین - قسط زمین و هزینه دهبانی و صدی دو دارم که پس از کسر هزینه‌های مزبور رویهم ۴۰۹۰۰ ریال برای ۸ سر عائله اینجانب باقی می‌ماند از نظر غذا وضع ما بد نیست زیرا همیشه در سفره ما نان موجود است و چای و قند هم با اندازه کافی داریم اکثر روزهای سال صبحانه ما عبارت از نان و چای می‌باشد .

ظواهر اغلب آش ماست یا آثر رشته میخوریم و در آش بجای گوشت از قیسی استفاده می‌نمایم در هفته يك و حداکثر دو بار برنج میخوریم بهترین غذائی را که دوست دارم چکدرمه است که از گوشت دام و روغن - برنج و پیاز تهیه میشود و متأسفانه در سال بیشتر از چند بار این غذای دوست داشتنی بدست بچه‌ها نمیرسد .

از او پرسیدم در سال چند بار سبزی یا میوه میخورید او گفت: «اصولاً تر کم ن‌ها چندان علاقه‌ای به کاشتن سبزی و استفاده از آن ندارند بعلت همین عدم علاقه و شور بودن زمین‌ها درخت میوه هم رشد نمی‌نماید فقط خرزهره و هندوانه در فصل آن مورد استفاده ماقرار میگیرند .

بعلت علاقه‌ای که به دامها داریم از کشتن آنها خود داری می‌نمایم و از این نظر تا هنگامیکه یکی از گوسفندان کاردی نشود گوشت نمی‌خوریم .

برای اینکه از وضعیت زندگی يك دام‌دار دست‌گران هم اطلاعی داشته باشیم مصاحبه‌ای که با آقای حاجی نیاز محمد معروف به حاجی کاکاساکن‌ده هوتن واقع در کنار رودخانه اترک را ذکر می‌نمایم ده هوتن (بمعنی ده غار و کانال) در ۱۳۲ کیلومتری شمال شرقی گنبد کاوس قرار گرفته است و با ده چات محل مصب رودخانه سومبار - ۴ کیلومتر فاصله دارد .

ده تشکیل شده از چند خانه گلی يك یاد و اطاقه و دهها الاچیق ترکمنی که اهالی در بهار و تابستان از این خانه‌ها استفاده می‌نمایند و در زمستان با الاچیق‌ها

به نواحی جنوبی تر رودخانه اترک به قشلاق میروند بنا بر این این ده نمونه خوبی از وضع اسکان نیمه تمام این تیره های ترکمن در این نواحی است .

زمین های اطراف ده تمام صاف و حاصل آبرفت رودخانه اترک و مقداری لس (Loess) است و شاید ضخامت خاک های مرغوب در این نواحی از پنجاه متری تجاوز کند .

با اینکه رودخانه اترک در مجاور این زمین هاست ولی در تمام ده حتی یک درخت سبز که بدست انسان کاشته شده باشد وجود نداشته و اقتصاد ده مزبور از راه گله داری تأمین می شود ، و بالغ بر سی هزار گوسفند در این ده وجود داشت . در ده مزبور جز دو اطاق که مدرسه ده محسوب میشد و طی سال گذشته بوسیله انجمن ده ساخته شده هیچ مؤسسه عمومی دیگر بچشم نمی خورد .

ده شکل مشخصی نداشته ، نه کوچدای معلوم بود ، و نه حدود و مرزده شکل هندسی منظمی داشت ، هر خانه و او بهای با یک کاناال از سایر خانه ها جدا میشد .

آقای حاجی کا کا که ثروتمندترین مرده مزبور بود ما را در اطاق کاه گلی خود پذیرفت در کف اطاق مزبور یک قالی تر کمنی با اندازه ۲۵۰×۳ متر پهن بود چند بالش بر کنار دیوارها قرار داده بودند و بقیه کف اطاق ۳×۵ متر بانمد پوشیده شده و تعداد مگس ها از شماره بیرون بود .

بر دیوارهای کاه گلی چند عکس از مشهد مقدس و آیات قرآن کریم وجود داشت در راهرو خانه تنها یخچال ده مزبور که بانفت کار میکرد قرار داشت ، و حاجی بانان و چای از ما پذیرائی کرد .

پسران محبوب حاجی خجالت می کشیدند نزد هم بانان باشند و مرتب پس از آوردن نان و چای از اطاق بیرون می رفتند . خود حاجی کا کا ۵۳ سال دارد و ۵ سال قبل زیارت خانه خدا واقع در مکه مکرمه رفته بود ولی علاقه ای به پرسیدن سؤال و جواب

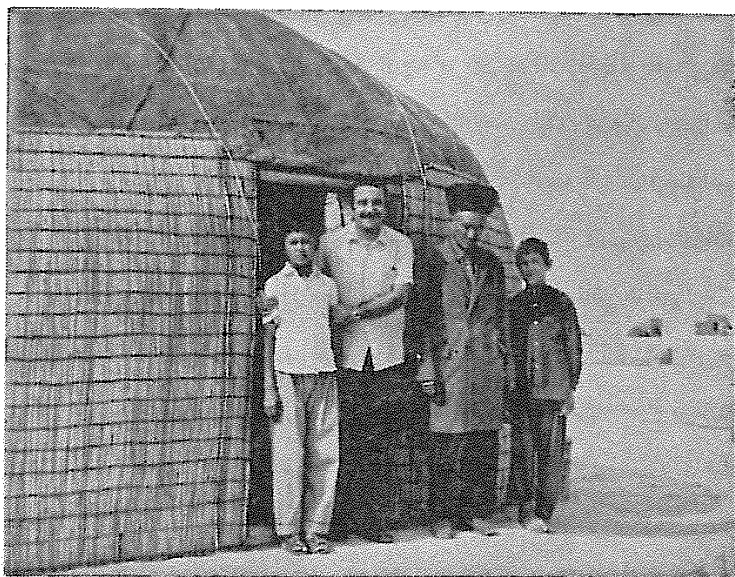
نداشت و فکر میکرد ما برای تقسیم گوسفندان او بین چوپانان رفته ایم . او میگفت دمن باد و برادرم که ۲۶ نفر نان خور داریم باتلاش زیاد ۱۲۰۰ گوسفند و بز تربیت کردیم متأسفانه در سال جاری بعلت خشک سالی شدید ۳۰۰ گوسفند تلفات داشته ایم و امسال تمام درآمد ما سه خانوار از ۸ هزار تومان تجاوز نکرده است در حالیکه حداقل ۲۰ هزار تومان گوسفندان ماتلف شده است .

از وضع چوپانان سؤال شد او گفت : چوپانان در این ده وضع بسیار بدی دارند زیرا دو نفر چوپان به شرکت ۵۰۰ تا ۶۰۰ گوسفند را بچرا میبرند و برای هر سه ماه کار از هر گوسفند ۷ ریال مزد دریافت می دارند بطوریکه درآمد سالیانه دو خانوار مزبور با کمک های دیگر که در بهار و تابستان بآنها میشود از ۳۰۰۰ ریال تجاوز نمی کند که بپرخانوار بطور متوسط در سال ۱۵۰۰ تومان و اغلب بهر یک از اعضای خانواده آنها در سال ۲۵۰ تومان پول میرسد .

از او پرسیده شد غذای سالیانه شما چیست ؟ با خنده جواب داد خودتان بهتر میدانید غذای اصلی مانان و چای است و در زمستان گاهی برنج و آش میخوریم و از گوشت هم در زمستان استفاده می نمایم بعلت آنکه شیر دامها را بچه های دامها میخورند ماکتر از آن استفاده می نمایم . پرسیده شد آرزوی شما چیست نامبرده اظهار داشت : « آرزو دارم شرافت خود و خانواده ام را حفظ کنم مردی خدا شناس و با ایمان باشم تا در هر دو دنیا سر بلند و سعادت مند باشم » .

پرسیده شد چه برنامه ای برای بچه های خود دارید ؟ او گفت دمن چهار دختر و دو پسر دارم آرزو دارم آنها را مانند زمانه خودشان تربیت نمایم بطوریکه تبدیل بافرادی خوب و شریف شوند .

حاجی کا کا کم کم از سؤالات ما کسل می شد توافق کردیم با نوشیدن دوغ شتر و گرفتن یک عکس یادگاری به بحث مزبور خاتمه دهیم .



حاجی نیازی درده هوتن

شود درآمد سرانه این روستائیان به سه هزار دلار برسد تا درآمد سرانه ای معادل درآمد مردم کویت و یا امریکا بدست بیاورند لازم است ۸۱۶۰ میلیارد تومان صرف سرمایه گذاری گردد و این مبلغ در حدود ۱۳۶ برابر درآمد ناخالص ملی کشور می باشد و این محاسبه نشان میدهد رسیدن به مرز درآمد سرانه مزبور با اقتصاد شرایط کنونی حتی در صد سال آینده هم امکان پذیر نیست.

از نظر پوشاک هم تنوع زیادی در زندگی روستائیان مازندران بچشم میخورد. بطور کلی هر چه ده از شهر و جاده های درجه یک دورتر باشد از نظر پوشاک بیشتر بخود متمکی است و در اینگونه روستاها از پشم گوسفندان بوسیله پیرزنان پارچه های ضخیم و پشمی بافته و از آن کت و شلوار مخصوص برای چوپانان و بعضی افراد تهیه میشود.

آمار رسمی کشور نشان میدهد که درآمد سرانه فردی در ایران از مرز ۳۰۰ دلار در سال تجاوز کرده است و بهر خانوار پنج نفری در سال ۱۵۰۰ دلار در آمد سرانه تعلق میگیرد.

اگر آمار محصولات کشاورزی را بررسی و محاسبه نماییم با صنایع دستی دهقانی در مازندران بهر خانوار پنج نفری روستائی مبلغی معادل ۵۸۰ دلار میرسد. اما تحقیقات دقیق تر در روستاها نشان میدهد اکثریت خانواددهای روستائی درآمدی معادل ۲۵۰ تا ۳۰۰ دلار در سال بدست میاورند که بهر نفر بطور متوسط در سال ۶۰ تا ۷۰ دلار درآمد سرانه تعلق میگیرد. این حقیقت هر لحظه قابل رسیدگی است این رقم تقریباً یک پنجم درآمد رسمی محسوب میگردد، آیا آمار رسمی کشور درست نبوده است یا اینکه توزیع ثروت عادلانه صورت نگرفته و ۰.۷۵ ساکنین کشور فقط یک پنجم درآمد سرانه کشور را بخود اختصاص داده اند؟!

بزبان دیگر مردم شهر نشین علاوه بر اینکه هر نفر ۳۰۰ دلار درآمد سرانه داشته اند رویهم ۵۰ میلیارد دلار درآمد ملی کشور را که به جامعه روستائی تعلق داشته است بخود اختصاص داده اند!

البته درآمد سرانه و نحوه زیست روستائیان مازندران و گیلان در بین تمام روستاهای کشور نمونه و از همه آنها بهتر است.

بعضی از افراد یا مؤسسات ادعا کرده اند که با انجام فلان طرح در مدت کوتاهی می توان درآمد سرانه روستائیان را دو یا سه برابر نمود. برای رد این ادعا باید گفته شود وقتی ایران ۷۰۰ میلیون دلار برای صنایع نوب آهن سرمایه گذاری می نماید فقط درآمد سرانه افراد کشور ۶ دلار افزایش می یابد اما اگر بخواهیم درآمد سرانه هر نفر روستائی را از پنجاه دلار به صد دلار یا دو برابر افزایش دهیم لازم است حداقل ۱۳۹ میلیارد تومان سرمایه گذاری نماییم و چندین سال کار و کوشش نماییم. اما اگر لازم